

از مجموعه جملات قصار

داشتن یا بودن

اریک فروم

انتخاب: م. بوذری

- ۱- حرص و آرامش دافع یکدیگرند.
- ۲- بقای نوع بشر موکول به تغییر بنیادی در قلب انسان است.
- ۳- هرچه کمتر تملک داشته باشیم بیشتر می توانیم عشق بورزیم.

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

- ۴- (ص ۵۳) پایه اقتدار غیرمعقول بر زور است؛ ولی اقتدار معقول بر صلاحیت.
- ۵- (ص ۵۷) "دانستن" تنها وسیله در فرایند تفکر است.
- ۶- (ص ۵۷) "دانستن" یعنی دیدن حقایق به صورت عریان.
- ۷- "دانستن" به معنی در اختیار داشتن و تصاحب حقیقت نیست، بلکه به معنی نفوذ به درون و کوشش انتقادی و فعال برای تماس نزدیک با حقیقت است.
- ۸- (ص ۵۹) کمال مطلوب دانش در مشکل بودن، هر چه عمیق تر دانستن است و در شکل داشتن، کسب دانش بیشتر.
- ۹- (ص ۶۰) ایمان در مفهوم داشتن یعنی داشتن پاسخی که مدرک و دلیلی منطقی برای اثبات آن وجود ندارد.
- ۱۰- (ص ۶۰) خدا مفهوم "خداوندگار" را نیز که بالاترین ارش احساس شدنی در درون ما است، در بعد داشتن به "بت" تبدیل میکنیم.
- ۱۱- (ص ۶۱) ایمان در حقیقت یک جهت گیری درونی است، یک گرایش است.
- ۱۲- (ص ۶۱) در شکل بودن یک انسان می تواند "مؤمن" باشد نه اینکه ایمان را دارا باشد.

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

۱۳- یک شخص مذهبی به خداوند مؤمن است و البته همه انسانها شاید نسبت به خود یادگیری ایمان داشته باشند.

۱۴- ایمان من به خودم، به دیگران، به نوع بشر، به توانایی ما برای انسان کامل شدن نیز ایقان را می رساند.

۱۵- (ص ۶۳) - ایقان حقیقی را نمیتوان با شواهد منطقی اجباری ثابت کرد.

۱۶- (ص ۶۱) - اگر عشق در شکل "داشتن" تجربه شود دلالت بر محدود کردن، زندانی کردن، کنترل کردن چیزی خواهد داشت که شخص آنرا دوست دارد.

۱۷- (۶۶) در دام عشق افتادن خود یک تناقض است چون عشق ورزی یک فعالیت زایا است. لذا شخص فقط می تواند در عشق استوار باشد.

۱۸- (ص ۶۶ و ۶۷) این اشتباه که شخص می تواند "عشق" داشته باشد منجر به رکود عشق ورزی شده است.

۱۹- (ص ۶۷) در بعضی موارد ازدواجی که نتیجه عشق بوده به یک مالکیت دوستانه بدل می شود.

۲۰- (ص ۶۷) وقتی زن یا شوهر نتوانند به آرزوی تجدید احساس عشق ورزی...

۲۱- (ص ۷۸) ریشه همه هنجارهای اخلاقی در اصول اخلاقی "بودن"، مشارکت با دیگران و مسئولیت مشترک است.

۲۲- (ص ۸۷) اکهارت می گوید: "شناخت خداوند از عشق ورزی به وی بهتر است".

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

۲۳- (ص ۹۱) در شکل "داشتن" هستی هدفهای مختلف "داشتن" منظور نظر نیست بلکه همه رویدادهای

انسانی ما مطرح است.

۲۴- (ص ۹۲) تمام چیزها در زندگی حتی معلومات و افکار و کردارهای خوب ما اگر در زندگی روزمره

زنجیری شوند که برای آویختن خود به آن تکیه می کنیم مانع آزادی ما می گردند.

۲۵- (ص ۹۳) از میان برداشتن میل "داشتن" شرط هر نوع فعالیت اصیل است.

۲۶- (ص ۹۷) نباید نباید اشخاص به اشیاء بدل شوند و...

۲۷- (ص ۹۸) "خود" ما مهمترین دارایی در احساس مالکیت ما است.

۲۸- (ص ۹۸) متأسفانه ما "خود" را چیزی حس می کنیم که دارنده و مالک آن هستیم، و این (چیز) بنای

احساس هویت ما است.

۲۹- (ص ۹۹) امروزه به دست آوردن های مجدد و تازه است که از انسان یک مصرف کننده ساخته است،

مصرف کننده صرف که مدام میگوید: "تازه ها زیبا هستند".

۳۰- (ص ۱۰۰) در دو قرن اخیر خوی "اندوختن" به ایدهء "عرضه کردن در بازار" تبدیل شده است.

۳۱- (ص) اگر فکر کنیم که افکار و عقاید...

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

۳۲- (ص ۱۰۵) در جهت گیری "داشتن"، انسان باید مدام در راه نگهداری و استفاده از آنچه به دست آمده

کوشش زیادی به عمل آورد.

۳۳- (ص ۱۰۶) حقیقت این است که در شکل "داشتن"، نمیتوان رابطه ای زنده میان خود و آنچه داریم را

برقرار کرد.

۳۴- (ص ۱۰۷) شخص در حال رشد ناچار است بیشتر استقلال، آرزوها و هوش های اصیل و علائق و

خواسته هایش را از دست داده و خواسته ها و آرزوها و احساساتی را برگزیند که اختیاری نیست بلکه...

۳۵- (ص ۱۰۹) در جوامع به اصطلاح ابتدایی، هیچ نوع تابوی جنسی وجود ندارد، برای این گروه ها که جهت

گیری "داشتن" ندارند لذت جنسی وصفی از بودن است نه فرایند مالکیت جنسی.

۳۶- (ص ۱۰۹) شکل های تازه عدم مالکیت حرص جنسی را که از خصوصیات جوامع (داشتن) است از بین

خواهد برد.

۳۷- (ص ۱۱۰) تابوها، سبب توجه ذهنی به امور جنسی و گمراهی می شود، ولی این توجه و گمراهی آزادی

به بار نمی آورد.

۳۸- (ص ۱۱۰) منظور از استقلال عدم مداخله و اختیار مطلق دادن نیست.

۳۹- (ص ۱۱۰) آزادی یعنی رشد طبق قوانین شالوده هستی انسان (محدودیت آزادی) و گردن نهادن به قوانین

نیک انجام تکامل بشری...

۴۰- (ص ۱۱۱) اقتدار منطقی، قدرتی است در جهت آزادی به شرط آنکه فعالیت فرد را به کار اندازد، تفکر

انتقادی را در او تقویت کند، و به زندگی او ایمان ببخشد.

۴۱- (ص ۱۱۱) هوس و آرزوی "دارایی شخصی داشتن" مستلزم اعمال فشار، زورگویی، و ربودن اموال

دیگران است.

۴۲- (ص ۱۱۱) آنان که با داشته های خود در پیوندند آنگاه شادکامند که بر دیگران توفیق یابند، هرچند با

تجاوز، ربودن، و کشتن تَوّام باشد.

۴۳- (ص ۱۱۱) زبان عامل مهمی در تقویت جهت گیری "دانستن" است.

۴۴- (ص ۱۱۱) "نام ها" این تصور اشتباه آمیز را پیش می آورند که صاحب آن نام مجودی غایی و جاودانه

است زیرا که نام، دارنده اش را عنصری پایدار و بی زوال جلوه می دهد و نه یک فرایند.

۴۵- (ص ۱۱۲) عشق، غرور، نفرت، شادی، واقعیت ندارند و فقط بصیرت ما را نسبت به فرایندی که در

انسان در جریان است تیره می کنند.

۴۶- (ص ۱۱۲) به مرور زمان غافل شده ایم که اجتماع به ما می آموزد که احساس را به ادراکات

- ۴۷- (ص ۱۱۲) نیاز به داشتن بنیادی در میل انسان به زندگی بیولوژیکی دارد.
- ۴۸- هر چند شاد باشیم یا ناشاد، جسممان ما را به کوشش برای جاودانه بودن وادار می کند.
- ۴۹- چون به تجربه دریافته ایم که بالاخره روزی باید بمیریم لذا در پی راه حلی هستیم تا این دروغ را (۱۱۳) به خود بقبولانیم که فناپذیریم.
- ۵۰- (۱۱۳) شهرت، ناموری، و حتی انگشت نما بودن هرچه که زیرنویسی را در کتاب تاریخ تضمین کند- تا حدی سبب...
- ۵۱- (ص ۱۱۳) حرص به شهرت در راه بی زوالی گام برمیدارد.
- ۵۲- (ص ۱۱۳) وصیتنامه انتقال آخرین دارایی را به نسل بعدی تعیین و مقرر میدارد و به حکم قانون من چون دارای سرمایه است جاودانه می شود.
- ۵۳- (ص ۱۱۴) "منش آنان" خصوصیتی است که نیروی اصلی شخص را به سمت داشتن، اندوختن و احتکار می کشاند. حتی در داشته هایی مثل احساس و اطوار و کلمات و انرژی او.
- ۵۴- (ص ۱۱۷) برابری نباید به معنای مساوات کمی در هر ذره از کالا و مادیات باشد بلکه تفاوت درآمد باید به درجه ای باشد که گروه های مختلف بتوانند تجربه مختلفی از زندگی داشته باشند.
- ۵۵- (ص ۱۱۷) زده ماندن یک میل و انگیزه منطقی است پس داشتن برای زیستن عادلانه و عاقلانه است.

- ۵۶- (ص ۱۱۸) انسان باید طالب داشتن برای زیستن باشد.
- ۵۷- (ص ۱۱۹) داشتن به اشیاء اشاره می کند که ثابت و توصیف کردنی هستند. "بودن" به تجربه اشاره می کند و تجربه انسان در اصل قابل توصیف نیست.
- ۵۸- تنها در روند روابط زنده متقابل است که دیگری و من سدّ جداکننده را می شکنیم زیرا هردو در رقص زندگی (ص ۱۲۰)
- ۵۹- (ص ۱۲۰) شرایط لازم برای "بودن" استقلال، آزادی و ذهن منقد بوده و خصوصیت آن فعال بودن است.
- ۶۰- (ص ۱۲۱) فعال بودن یعنی مفهوم بخشیدن به توانایی ها استعدادها، و موهبت های انسانی که هر کس از آن برخوردار است
- ۶۱- (ص ۱۲۱) فعال بودن یعنی تازه کردن خود، رشد کردن، تحرک داشتن، عشق ورزیدن، از زندان نفس خود به درآمدن اشتیاق و ایثار.
- ۶۲- (ص ۱۲۱) کلمات به تجربه اشاره می کنند، اما خود تجربه نیستند.
- ۶۳- (ص ۱۲۱) درست در همان لحظه ای که تجربه ام را در باب فکر و کلمات بیان می کنم تجربه از میان رفته است و یک اندیشه محض شده است.
- ۶۴- (ص ۱۲۱) بودن با کلمات قابل توصیف نیست.

- ۶۵- (ص ۱۲۱) بودن فقط از طریق تجربه کردن قابل انتقال و قابل وصف است.
- ۶۶- (ص ۱۲۱) در "داشتن" کلمه مرده حاکم است. در "بودن"، تجربه زنده و وصف نشدنی حکمروا است.
- ۶۷- آنانکه تصور می کنند بدون تکیه به چوب زیر بغل ثروت به زانو درخواهند آمد نیاز به کمک انسان ها دارند.
- ۶۸- (ص ۱۲۳) "بودن" دلالت بر توانایی فعال بودن دارد، فعل پذیری جایی در "بودن" ندارد.
- ۶۹- (ص ۱۲۴) فعالیت از نظر مردم گونه ای رفتار ارادی است که متقابلاً سبب تغییرات اجتماعی سودمند می شود.
- ۷۰- (ص ۱۲۴) در فعالیت بیگانه شده، در حقیقت من خود کاری انجام نمیدهیم بلکه نیروهای بیرونی و درونی مرا "وادار به کار می کنند"، و من از نتیجه فعالیتیم جا مانده ام.
- ۷۱- (ص ۱۲۵) اشخاص شاید در اجرای هدف خود در حد نهایی فعال باشند، امّا، زیر فشار نیروهای درونی هستند که از آن آگاه نیستند.
- ۷۲- (ص ۱۲۵) در فعالیت غیر بیگانه، من "خودم" را در مقام فعالیتیم تجربه می کنم.
- ۷۳- (ص ۱۲۵) فعالیت غیر بیگانه، همان فعالیت بارور است زیرا مظهری از نیروهای من است.
- ۷۴- (ص ۱۲۵) منظور از "باروری" استعداد خلق یک چیز تازه یا نوظهور نیست، بلکه مظهر "کیفیت" آن

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

۷۵- (ص ۱۳۰) اسپینوزا می گوید "فعالیت، خرد، آزادی، آسایش، شادی و کمال شخص پیوند جدانشدنی با هم دارند.

۷۶- (ص ۱۳۰) تحت تأثیر انفعالات غیرمنطقی قرار گرفتن نشانه بیماری روحی است.

۷۷- (ص ۱۳۰) هر قدر به رشد مطلوب نایل شویم نه تنها به نسبت، آزاد، نیرومند، منطقی و شاد خواهیم بود، بلکه از سلامتی روان هم برخوردار خواهیم شد.

۷۸- (ص ۱۳۲) اسپینوزا می گوید: سلامت روان مظهر روش زندگی درست است و در مقابل آن بیماری روان علامت عدم موفقیت در زندگی کردن طبق الزامات طبع آدمی است.

۷۹- (ص ۱۳۷) "بودن" به حقیقت اشاره می کند که نقطه مقابل تظاهر ساختگی و فریب آمیز است. در این مفهوم هر اقدام در راه افزایش بودن به معنی بصیرت بیشتر نسبت به طبیعت خود، دیگران و جهان است.

۸۰- داشتن و بودن هر دو در طبع آدمی نهاده شده اند و این انگیزه بیولوژیکی ما برای بقاء است که بیشتر بر داشتن گرایش دارد.

۸۱- (ص ۱۴۲) در تمام گروه های مذهبی، سوسیالیست، اومانیست، میل به تعاون دیده می شود، مثال بارز آن کسانی هستند که خون خود را اهدا میکنند.

۸۲- (ص ۱۴۲) تجلی ایثار و بخشش را در اشخاصی که عشق اصیل دارند می توان دید. آنجا که مردم جان

خود را برای نجات دیگری به خطر می اندازند.

۸۳- (ص ۱۴۲) عشاق حقیقی در درون عشق خود به یک "فرد مشخص" عشق به تمام جهان را هم دارند.

۸۴- (ص ۱۴۴) از خودگذشتگی بیشتر راه حل افرادی است که در آرزوی عشق سوزان هستند : اما چون

توانایی عشق ورزیدن را از دست داده اند در فداکردن زندگی خود عالی ترین درجه تجربه عشق را می بینند.

۸۵- (ص ۱۵۶) آنکه می گوید "من آن هستم که دارم" در روابطش به ناچار دائماً در رقابت، دشمنی و ترس

سر می برد.

۸۶- (ص ۱۵۶) آزمندان هرگز سیر و راضی نمی شوند.

۸۷- (ص ۱۵۸) امروز یا فردا، با افزایش باورنکردنی قدرت تخریبی سلاح های جدید راهی که انتخاب خواهد

شد جنگ نیست بلکه خودکشی متقابل است.

۸۸- (ص ۱۵۹) یکی از عمیق ترین اشکال شادکامی برای مردم مشارکت در لذت بردن از یک شیء بدون

داشتن آن برای خود می باشد.

۸۹- (ص ۱۶۱) انسان امروزی در دنیای خوشی های بی لذت زندگی می کند.

۹۰- (ص ۱۶۵) رابطه جنسی فقط هنگامی لذت بخش است که صمیمیت عشقی توأم باشد.

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

- ۹۱- (ص ۱۶۶) لذت چیزی است که ما در فرایند رشد خود برای به هدف "خود" شدن تجربه می کند.
- ۹۲- لذت چیزی است که ما در فرایند رشد خود برای نزدیکی به هدف "خود" شدن تجربه می کند.
- ۹۳- (ص ۱۷۰) در سیستم خودکامه، یعنی در شکل داشتن، نافرمانی گناه تلقی می شود.
- ۹۴- اگر جدایی ناشی از خودمداری گناه کبیره باشد کفاره آن در عشق ورزی است.
- ۹۵- (ص ۱۷۵) فقط یک راه برای فائق آمدن به ترس از مرگ وجود دارد : چنگ نزدن به زندگی ، و تجربه نکردن زندگی، به منزله مایملک و دارایی.
- ۹۶- ترس از مرگ با چگونگی زندگی در شکل "داشتن" نسبت مستقیم دارد.
- ۹۷- نترسیدن از مرگ باید سبب یک کوشش مداوم برای کاهش شکل داشتن و افزایش شکل بودن گردد.
- ۹۸- (ص ۷۷۱) آینده نگری خود نوعی پیش بینی گذشته است. انگار می خواهیم بدانیم.
- ۹۹- (ص ۱۷۹) در شکل "بودن" ، زمان از اریکه خود پایین آورده شده و دیگر بت مسلط بر زندگی ما نیست.
- ۱۰۰- (ص ۱۸۰) انسان امروزی چنان در بند زمان است که حتی ساعات فراغت او نیز همچون زندانی به اصطلاح با التزام تعهد آزاد شده بر علیه زمان شورش می کند و مدام برای چنین لحظاتی برنامه ریزی می کند.
- ۱۰۱- (ص ۱۸۴) ما همان چیزی هستیم که سرسپرده آنیم و آنچه بدان سرسپرده ایم برانگیزنده رفتار ما است.
- ۱۰۲- (ص ۲۰۱) وقتی اعضاء جامعه به صورت ابزار بی هویتی درآمدند "بحران هویت" بوجود می آید.

از مجموعه جملات قصار - داشتن یا بودن - اریک فروم - وبسایت چیستی ها

۱۰۳- (ص ۲۰۲) در منش بازاری نه عشق و محبت وجود دارد نه نفرت، زیرا احساس مزاحم کار و فروش

معامله می شود.

۱۰۴- (ص ۲۰۳) خرد در معنای درک و فهم، کیفیت انحصاری انسان اندیشمند است.

۱۰۵- (ص ۲۱۱) مادام که اظطرار و ضرورت علت مطلق کار کردن است آزادی وجود ندارد.

۱۰۶- (ص ۲۲۸) ما رنج می بریم و از آن آگاهیم.

تایپ برای وبسایت چیستی ها: زهره

<http://chistiha.com>